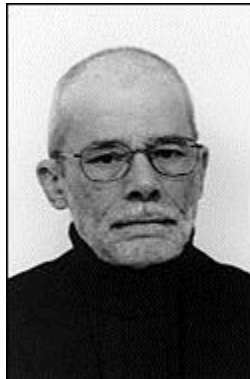


تصحیح متن کپی برداری نیست



به اعتقاد **هرمان لندولت** یادگرفتن روش تصحیح متون هنر است و تصحیح را نمی توان فقط کپی کرد، بلکه باید فکر کرد به این موضوع که مولف چه می‌خواسته بگوید.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) هرمان لندولت، استاد بازنشسته دانشگاه مک‌گیل کانادا و مصحح کتاب کشف‌الاسرار است. اندیشه اسلامی مد نظر پرفسور لندولت عمدتاً فلسفه و تصوف در باب متفکرانی همچون ملاصدرا، سجستانی، ناصرخسرو یا مسائلی در اصطلاح‌شناسی فنی آثار اینان است. «عطار، تصوف و اسماعیلیه»، «عزیز نسفی و بحث ماهیت و وجود»، «اندیشه و نظر: عبدالرحمان اسفراینی» از جمله مقالاتی است که هرمان لندولت به نگارش آن پرداخته است. با او گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

شما بسیار به زبان و ادبیات فارسی مسلط هستید. چطور شد که تصمیم گرفتید زبان فارسی یاد بگیرید؟

من فارسی را در سوئیس و پاریس یاد گرفتم. در سوئیس فیئر مایر استادم بود که هم اسلام‌شناس بود و هم ایران‌شناس. در پاریس هم استادم مشوق بود که چند کتاب درباره زبان و ادب فارسی نوشته بود.

بهترین شیوه ترجمه متون به عقیده شما چیست؟ آیا ترجمه کلمه به کلمه می‌تواند موثر واقع شود؟

ترجمه هنر است و آموزش آن را باید مثل هنرهای دیگر از استاد آموخت و باید دید چگونه استاد این کار را انجام می‌دهد. این‌ها میراث فرهنگی ایرانی‌هاست و لازم است این میراث احیا شود و از بین نرود.

در گذشته بسیاری از مستشرقین متون کلاسیک فارسی را ترجمه و تصحیح می‌کردند. در حال حاضر فعالیت مستشرقین را

چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این فعالیت‌ها می‌تواند سبب شناخت نویسندگان و شاعران معاصر ما شود؟

من خیلی به این مسئله خوشبین نیستم. برای اینکه همیشه آدم‌ها استثنایی از سر اتفاق با کسی آشنا می‌شوند؛ ولی باقی افراد مراجعه نمی‌کنند.

شما تحقیقاتی نیز درباره ادیان در دست انتشار دارید. در حال حاضر تحقیقاتی که در موضوع ادیان به ویژه در اروپا انجام می‌شود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در دانشگاه‌های اروپا درباره موضوع ادیان با دقت تحقیق و بحث می‌شود و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته می‌شود و این تحقیقاتی که درباره ادیان صورت می‌گیرد، بسیار مفید است.

درباره آثاری بگوئید که تألیف کرده‌اید.

با تُسخ خطی همواره کار داشته‌ام و آثار علاءالدوله سمنانی و نورالدین اصفهانی و نسخه‌های خطی از ناصر خسرو به خصوص زادالمسافر - که کار بر روی آن بسیار دشوار است - و يك نسخه خطی از كشف‌المحجوب ابویعقوب سجستانی که منحصر به فرد است، یعنی نسخه دیگری از آن وجود ندارد و امیدوارم اصل عربی آن پیدا شود را به فرانسه ترجمه کرده‌ام. رساله‌ای نیز در مذاهب و ادیان از اخوان الصفا را در دست ترجمه دارم. اخوان الصفا اثر بسیار مهم و جالبی است و مشخص نیست که آیا این اثر اسماعیلی بوده است یا نه از نظر روحی به آن‌ها نزدیک است. در ایران، این موضوع فرق دارد. چون میراث فرهنگی مردم است و در حافظه تاریخی مردم ثبت و ضبط می‌شود.

وضعیت ترجمه‌هایی که از قرآن در کشورهای اروپایی انجام شده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ترجمه‌های قرآن به انگلیسی نسبتاً مفید است. ترجمه آبروی خوب است شاید در همه جا بادقت نباشد اما روحیت شاعرانه به انگلیسی نشان می‌دهد و بهتر از ترجمه کلمه به کلمه است که خوانا نیست.

در سال‌های گذشته اساتید زیادی از کشورهای غربی به تصحیح متون فارسی پرداخته‌اند. از دیدگاه شما برای تصحیح متون فارسی هم اکنون چه روش‌هایی وجود دارد و باید چه کرد؟

یادگرفتن روش تصحیح متون هنر است و تصحیح را نمی‌توان فقط کپی کرد، بلکه باید فکر کرد به این موضوع که مولف چه می‌خواسته بگوید. بعضی وقت‌ها زمانی که متنی را به زبان دیگر ترجمه کنیم فوراً می‌بینیم این متن به این گونه نیست که ناسخ گفته است.

چه در آثار دیگری در دست نگارش دارید؟

رساله‌ای نیز در مذاهب و ادیان از اخوان‌الصفا را در دست ترجمه دارم. اخوان الصفا اثر بسیار مهم و جالبی است و مشخص نیست که آیا این اثر اسماعیلی بوده است یا نه از نظر روحی به آن‌ها نزدیک است.

فعالیت مؤسسه مطالعات اسماعیلیه لندن تا چه اندازه آشنایی مخاطبان را با متون فارسی فراهم کرده است؟

خیلی کم. با وجود این که کتاب‌های زیادی پخش می‌شود، ولی اکثریت مردم به آن توجه نمی‌کنند. برای اینکه تفرقه در شهری مثل لندن زیاد است و مردم کمتر کتاب نمی‌خوانند. با ادبیات کهن فارسی چندان آشنا نیستند فقط آن‌هایی که از اول توجه کرده‌اند کتاب می‌خوانند. برای مثال اگر ترجمه دیوان «ابن‌هانی» را به يك فرد عامی یا حتی آکادمیک نشان دهید اصلاً با آن آشنا نیست. فقط آن‌هایی که در این باره دانشگاه رفته‌اند ممکن است کمی‌متونی مانند منطق‌الطیر را بخوانند ولی متون مشکل را نمی‌خوانند.